

تحلیل میراث اجتماعی بیماری کرونا با نگاهی به الزامات فقهی حقوقی

زهرا محدثی*
حسین ناصریمقدم**
علیرضا عابدی سرآسیا***

چکیده

عوامل متعددی در جهان موجب شکل‌گیری میراث اجتماعی برای انبیا بشر می‌شود، یکی از این عوامل حسب شرایط وضعی می‌تواند بیماری‌ها باشد، که بیماری کرونا از جمله آن مصادیق است اما اینکه چطور بیماری کرونا می‌تواند زمینه‌ساز میراث اجتماعی باشد ابهامی است که در پاسخ به آن مبادرت به انجام پژوهشی نمودیم، در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی با توجه به قواعد علوم شناختی و بالخصوص نظریات زبان‌شناختی که دلالت بر تغییر مفاهیم نظری دارد، انجام گردید، نویسندگان به این نتیجه رسیدند که بیماری کرونا از آن حیث که می‌تواند مفاهیم مختلف رایج در عرصه فقهی و حقوقی را تغییر دهد، می‌تواند از دو طریق زمینه‌ساز ایجاد میراث اجتماعی گردد، نخست آنکه بیماری یادشده موجب توجه فقها و حقوق دانان به تاریخ اجتماعی برای تطبیق نمونه‌های مشابه در جهت صدور احکام و فتاوی و وضع قوانین می‌گردد که حسب مورد، منکسر کننده توالی یا تبدیل رفتار اجتماعی خواهد بود، یا آنکه برحسب اقتضای شرایط، فقها و حقوق دانان الزامات فقهی حقوقی را ایجاد می‌کنند که زمینه‌ساز رفتارهای مشابه برای افراد در نسل‌های بعد در مقابل بیماری‌های واگیردار می‌گردد که در این صورت بیماری کرونا به معنای واقعی کلمه زمینه‌ساز میراث اجتماعی خواهد بود.

واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، بیماری کرونا، دستورالعمل‌های بهداشتی، الزامات قانونی، الزامات فقهی.

* دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی-فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
za.mohadesi@um.ac.ir

** استاد دانشکده الهیات، دکتری الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
naseri1962@um.ac.ir

*** استادیار دانشکده الهیات، دکتری الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
a_abedi@um.ac.ir

مقدمه

جهان، همواره در تکاپوی شکل‌گیری نظام‌های مختلف، و دربردارنده ارزش‌هایی است که با توجه به آن می‌تواند برای خود آرمان‌هایی را شکل داده، هویت خود را پیدا نموده و برای ادامه زندگی خود هدف مشخصی داشته باشد.

آنچه که در این زمینه می‌تواند یکی از پایه‌های ساخت آینده بشری قرار بگیرد، داشتن میراث‌های اجتماعی است، میراثی که باعث شود مردمان بدان فخر و مباهات ورزیده و بهانه‌ای برای همگرایی در یک جامعه خاص را داشته باشند، به نظر می‌رسد یکی از مواردی که آثار مختلفی با خود به همراه دارد و بدون تردید می‌تواند موجبات شکل‌گیری میراث اجتماعی مختص به خود باشد، مقوله بیماری است. بیماری‌ها به‌خاطر خاصیت‌های مختلفی که بر یک اجتماع ایجاد می‌گذارند از طرق مختلف می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد میراث فرهنگی باشند.

رویکرد اصلی در نوشتار حاضر آن است که تلاش شود ابعاد فقهی-حقوقی بیماری کرونا (COVID-19) از آن حیث که زمینه‌ساز ایجاد میراث اجتماعی می‌شود، مورد نقد و بررسی قرار گیرد. براین اساس و برای نیل به این مقصود نویسندگان این پژوهش درصددند تا با اتکاء به روش‌های تحلیلی و کمک‌گرفتن از نظریه‌های شناختی بالاخص نظریه‌های زبان‌شناختی که به بررسی رابطه زبان انسان، مفهوم‌گیری و ذهن و تصمیم‌گیری‌های آدمی می‌پردازد، و به واسطه آن می‌توان کنش و واکنش‌های آدمی در برابر تصمیمات رفتاری در حوزه‌های مختلف را به‌درستی مورد شناخت قرارداد مبادرت به انجام پژوهشی در این زمینه نمایند.

در نتیجه برای دستیابی به این مطلوب نویسندگان از روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر سبک اقدام پژوهشی استفاده نمودند. در این روش محققان علاوه بر درک و تفسیر پدیده‌های اجتماعی درصددند تا برای تغییر و بهبود شرایط و رویدادها، در سطح فردی یا محلی اقداماتی را انجام دهند تا به واسطه آن علاوه بر درک فرایند مشارکتی در اجتماع، به تبیین موقعیت‌های نامعین بپردازند (اسلامی تنها و کرم‌اللهی، ۱۳۹۷، ص ۲۷-۴۰). این سبک که از جدیدترین حوزه‌های تحقیقاتی به‌شمار می‌رود نظر به اینکه موقعیت ایجادشده توسط بیماری کرونا شرایطی به‌شدت نامعین را در جامعه ایجاد می‌نماید سبک مطالعات پیش‌رو اقدام پژوهشی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

شاید بتوان گفت مقاله حاضر از سه جهت دارای پیشینه مطالعاتی است.

در مرتبه اول مطالعاتی قرار دارد که الزاماً به مفاهیم میراث فرهنگی اشاره دارند، به‌عنوان مثال

مقاله‌ای که «کرسل و لوک»^۱ در سال ۲۰۱۵ به انجام رسانیدند، هرچند به خوبی می‌توان است ابعاد مختلفی از میراث فرهنگی و ارتباط آن را با سیاست‌های عمومی نشان دهد ولی از این حیث که در رابطه با آثار یک بیماری به‌عنوان زمینه‌ی شکل‌گیری قوانین و میراث‌های اجتماعی سخنی به میان نیاورده است دارای تفاوت قابل توجهی است.

به‌عنوان مثال دیگر می‌توان به مقاله‌ای که توسط سرکار خانم شهیاد و آقای محمّدی (۱۳۹۹) به چاپ رسید اشاره نمود، این مقاله نشان از آن دارد که توجه محققان در حوزه پزشکی و روان‌شناسی نیز بر روی آثار مخرب این بیماری معطوف گردیده است. با این حال آنچه که موجب تفاوت در اثر حاضر می‌گردد آن است که پژوهشگران در پژوهش پیش‌رو صرفاً به دنبال یک بررسی آماری و تحلیل تکنیکال مبتنی بر دامنه رشد بیماری در بین مردم نبوده‌اند، بلکه از آن حیث که بیماری می‌تواند فرهنگ‌های مختلف را درون افراد نهادینه ساخته و موجبات تغییر الگوهای میراث اجتماعی شود کار خویش را به انجام رسانیده‌اند.

مفهوم میراث اجتماعی

عده‌ای بر این باورند که میراث اجتماعی در واقع به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و سنت‌ها اطلاق می‌شود که یک شخص یا اشخاص متعددی، از آنجا که آن را ارزشمند تلقی می‌کنند برای حفظ و نگهداری آن همواره تلاش می‌نمایند (کرسل و لوک، ۲۰۱۵، ص ۷۱).

از آنچه که بیان شد می‌توان این‌طور درک نمود که در تعریف از میراث اجتماعی همواره یک امر مسلّم و مفروض در نظر گرفته می‌شود و آن تأثیر انسان و باور او در مورد ارزش اجتماعی است، اینکه یک امر می‌تواند دارای ارزش شناخته شود قطعاً امری انسانی است و به تعریفی که انسان از ارزش‌ها و بایسته‌های اخلاقی برای خود دارد وابسته است (اُکین،^۲ ۱۹۹۷؛ براون،^۳ ۲۰۰۵، ص ۵۰-۵۱؛ لوگان،^۴ ۲۰۰۷، ص ۳۷؛ اسچیفلر،^۵ ۲۰۰۷؛ آپیه،^۶ ۱۹۹۴؛ نارایان،^۷ ۱۹۹۸؛ بن‌حابیب،^۸ ۲۰۰۲؛ میزی،^۹ ۲۰۰۷).

1. Kersel & Luke

2. Okin

3. Brown

4. Logan

5. Scheffler

6. Appiah

7. Narayan

8. Benhabib

9. Mezey

در باره پدیده‌های اجتماعی نظیر بیماری‌ها، آنچه که می‌بایست بدان بیشتر اهمیت داد آن است که بتوانیم درک کنیم چطور مفهومی به نام بیماری کرونا، به جهت دامنه تأثیرگذاری‌هایی که دارد موجبات تغییر نگرش‌های افراد در درون جامعه می‌شود. تا حدی که آنها تصمیم می‌گیرند حتی در قواعد فقهی و حقوقی خود دخل و تصرف داشته باشند. از دیدگاه علوم‌شناختی و فلسفه، ماهیت ذهن بشر همواره در تکاپوی یافتن چرایی‌های احکام است و میل به سعادت که در درون انسان نهادینه شده، بهانه و پیش‌زمینه‌ای برای این تفکر محسوب می‌گردد تا فقها، حقوق‌دانان و مسئولان اجرایی که به دنبال اجرای احکام و ضوابط شرعی در اجتماع هستند، الزاماتی را مورد توجه قرار دهند که قبل از ظهور بیماری کرونا، بدان بی‌توجه یا کم‌توجه بوده‌اند.

مفهوم بیماری

بیماری به حالتی اطلاق می‌شود که طی آن متابولیسم و عملکرد زیستی بدن، دچار واکنش غیرعادی شده و سبب ضعف یا تغییر بایسته‌های زیستی در درون فرد شود (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۷۵-۹۵)، نخستین شاخصه هر بیماری، آن است که موجب تغییر واکنش‌های بدن می‌گردد. صرف نظر از منشاء بیماری، آنچه که اهمیت بسزایی دارد آن است که در مواجهه با یک بیماری، چند نوع مقابله صورت می‌پذیرد، اولین و بدیهی‌ترین مقابله، پاسخی است که به وسیله ارگان‌های زیستی در بدن به بیماری داده می‌شود. گلبول‌های سفید و سایر آنتی‌باکتری‌هایی که در درون خون جریان دارد، براساس دستوری که از طرف مغز صادر می‌گردد، برای مقابله با بیماری آماده شده و اگر توان کافی برای مقابله با آن عامل را داشته باشند آن را دفع می‌نمایند.

در مرتبه دوم افراد برای آنکه بتوانند روند مقابله و درمان خود را بهبود بخشیده یا به سرعت آن بیفزایند ناگزیرند از برخی مکمل‌های معدنی یا غذایی و دارویی استفاده کنند (نیکخواه و نقی‌ئی، ۱۳۸۹-۱۳۹۹، ص ۳۷۶۰-۳۷۷۹).

سومین اقدام که افراد در مقابله با یک بیماری انجام می‌دهند، در صورتی که نتوانند به هر طریق ممکن عامل بیماری را شناسایی نمایند، یا نتوانند درمان مناسبی برای آن کشف نمایند، آن است که با بیمار به جای بیماری مقابله به مثل می‌نمایند. به بیان بهتر در تلاش برای جلوگیری از شیوع و انتشار عامل ناشناخته همواره سعی می‌شود تا بیمار را از ارتباط با دنیای بیرون و اطرافیان برحذر داشته تا از این طریق مانع از سرایت بیماری به دیگران شوند (حق‌دوست، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲؛ میرصالحیان و دالوند، ۱۳۹۷، ص ۲۳۰-۲۳۸).

با توجه به آنچه که گفته شد به نظر می‌رسد تنها مصادیق خاصی ممکن است زمینه‌ساز ایجاد

میراث اجتماعی در جامعه شود، به عنوان مثال صدور فتاوی فقهی برای کمک به نیازمندان و مستمندان که امکان تهیه اقلام بهداشتی و درمانی یا غذایی را ندارند منجر به شکل گیری بسیج مردمی تحت عنوان پویش های جهادی گردید، در پویش های جهادی افراد به این باور رسیدند که هم اینک عرصه جنگ و مبارزه، همان عرصه مقابله با بیماری کرونا است. از همین رو بسیاری از افراد مال خود را به سادگی وقف راه سلامت یا کمک به مردم نیازمند می نمایند، زیرا باور دارند که سعادت بشری در گروی چنین عملکردی است.

اگر قرار است جامعه در نهایت به ثبات و آرامش نسبی دست پیدا نماید، چاره ای نیست جز آن که مردم در کنار یکدیگر عملکرد جهادگونه ای داشته باشند. در حوزه سلامت نیز پرستاران با پذیرش این باور که عمل آنها جهاد محسوب می شود مخلصانه، به صورت شبانه روزی در خط اول میدان نبرد علیه بیماری کرونا حضور یافتند، بسیاری از آنان در این راه شهید شدند، تا بتوانند به افرادی که به بیماری مبتلا شده بودند کمک نمایند. تردید نیست که مقام شهادت از دیدگاه شرعی و امتیازات الهی آن هر چند برای خود افراد همواره مورد توجه است ولی خانواده این افراد نیز باید مورد توجه قرار گیرند، از همین رو حکومت جمهوری اسلامی ایران پذیرفت که شهادت عرصه سلامت که در جریان مقابله با بیماری کرونا جان خود را از دست می دهند را به صورت رسمی به عنوان شهید اعلام نمایند تا خانواده ایشان بتواند از مزایای حقوقی-مادی و معنوی بهره مند گردند.

بیماری کرونا

بیماری کرونا یا همان covid-19 که نخستین بار در سال ۲۰۲۰ ریشه های آن براساس بیماری سندروم حاد تنفسی (sars) مورد شناسایی قرار گرفت (مردانی و همکاران، ۱۳۸۲-۱۳۸۴، ص ۷۳-۸۳)، به صورت مشخص در سال ۲۰۲۰ نمونه های حاد آن ظاهراً از منطقه ای در کشور چین ظهور خود را نمایان ساخت و در عرصه جهانی افراد بسیار زیادی را مبتلا نمود، بیماری یاد شده از طریق ارتباطات پوستی و تنفسی در صورتی که فرد مبتلا به صورت مستقیم با فردی که سالم است در تماس باشد، امکان انتقال را دارد.

هر چند انتقال بیماری از طریق هوا هنوز به تأیید مراجع پزشکی نرسیده است ولی تردید نیست که قطرات تنفسی می تواند زمینه ساز انتقال بیماری باشند.

حتی امروزه مراجع پزشکی بر این باور هستند که بی شک بیشتر از ۸۰ درصد از مردم جهان در نهایت طی بازه زمانی تقریباً دو ساله به این بیماری مبتلا می شوند (شهید، شیما و محمدتقی محمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۴-۱۹۹؛ فرنوش و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱-۱۱).

با توجه به پیش‌بینی‌های انجام‌شده تردید نیست که حداقل دوسال زندگی در کنار یک بیماری، می‌تواند نقش بسزایی در تغییر فرهنگ‌های عمومی و اجتماعی افراد داشته باشد، فرهنگی که تا حد زیادی می‌تواند دارای ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، در این میان جای تعجب نیست که الزامات فقهی - حقوقی نیز به تناسب گسترش و تأثیرگذاری این بیماری، تغییراتی همسورا احساس نمایند، اما در این میان مطالبی وجود دارد و آن اینکه آیا این بیماری است که میراث جدیدی در عرصه فقهی و حقوقی برجای می‌گذارد یا آن که ابعاد فقهی حقوقی، در عرصه بیماری کرونا میراث‌گذار محسوب می‌شوند؟

بدین معنا که اگر بپذیریم بیماری کرونا می‌تواند در اندیشه فقهها، میراث جاودانی قرار دهد، در این صورت فقهها درک می‌کنند که هر زمان بیماری ویروسی دیگری همانند کرونا در عرصه جهانی شایع شد، از همان دستورات العمل‌ها و قواعد فقهی که در زمان انتشار آن بیماری استفاده می‌کردند بهره‌مند شوند چنانچه امروزه برخی از فقهها بر مبنای احکامی که در صدر اسلام در رابطه با بیماری‌های واگیردار همچون جذام، طاعون یا احکامی که از باب احتیاط در دماء وجود دارد مبادرت به صدور برخی از فتاوی فقهی در رابطه با بیماری کرونا می‌نمایند.^۱

اما اگر بپذیریم که عقاید فقهی و حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز میراث اجتماعی باشد، در این صورت به صرف آنکه قواعد خاصی در مقطع زمانی که بیماری کرونا انتشار دارد مورد اجرا قرار می‌گیرد، مردم می‌آموزند که پس از تمام شدن دوره حکومت این بیماری، همچنان برخی از رفتارها و الزامات فقهی - حقوقی را رعایت نمایند، به‌عنوان مثال اگر امروز فتوا بر بسته شدن مساجد یا خواندن نمازها به صورت فردی وجود دارد، بعد از اتمام دوره بیماری کرونا، مردم همچنان تصمیم بر بازگشایی مساجد نمایند یا بر این عقیده باشند که همچنان بهتر است به صورت فردی نمازهای یومیه را اقامه نمایند، در این صورت قواعد فقهی و حقوقی که برای دوره معین شکل گرفته بود به صورت میراثی برای آیندگان مبدل می‌شود که مردم همچنان آن را ادامه می‌دهند.

علوم‌شناختی بر این عقیده است که چون علل مختلفی در تصمیم‌گیری‌های افراد تأثیرگذار هستند، پس مادامی که مفاهیم بیماری، درک موقعیت‌های اجتماعی و... با هم شباهت دارند، مردم الزاماً رفتارهای مشابه انجام خواهند داد، از همین رو قابل پذیرش و باور نیست که عده‌ای از افراد پس از پایان دوره کرونا، به صرف آن‌که حتی برای چندین سال فرضاً از مراودات اجتماعی خود کاسته‌اند، در ادامه مسیر زندگی همانند گذشته اقدام نمایند، چرا که مفهوم قواعد و الزامات

۱. شاید یکی از مهم‌ترین فتاوی که در این حوزه وجود دارد مقوله تعیین ضمان و دیه برای کسی است که عامل انتقال ویروس کرونا محسوب می‌شود، از جمله فقهای معاصری که پیرو این نظریه هستند می‌توان به آیات عظام مکارم شیرازی، آیت الله جعفر سبحانی و آیت الله جناب آقای دکتر محقق داماد و آیت الله سیستانی اشاره نمود.

فقهی - حقوقی وابسته به اثرات بیماری به نام کرونا بوده است که با اتمام دوره حکومت بیماری دیگر دلیلی برای تبعیت از سبک زندگی گذشته وجود نخواهد داشت.

آثار اجتماعی بیماری کرونا

از جمله مهم‌ترین آثاری که در اثر شیوع همه‌گیر این بیماری برای مردم ایجاد شده است؛ می‌توان به مقولاتی همچون ترس، فقر، تغییر الگوهای دینی و مذهبی، تغییر آداب و سنن ملی و اجتماعی اشاره کرد. اگرچه هر یک از این تغییرات در نقاط مختلف شدت و ضعف‌هایی خاص دارند ولی تردید نیست که به صورت کلی آثار این بیماری، بر تمام جوانب یاد شده قابل درک است.

به‌عنوان مثال شاید بدیهی‌ترین اثری که وجود یک بیماری ناشناخته بر روی آدمی ایجاد می‌کند، ترس باشد (عزتی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۲۹). به صرف آن‌که افراد نمی‌دانند، چه زمانی ممکن است مبتلا به یک بیماری شوند یا چطور ممکن است این اتفاق رخ دهد! از ترس‌هایی است که به‌شدت درون مردم نهادینه می‌شود و البته این صرف نظر از آن است که تکرار اطلاع‌رسانی در مورد این حقیقت که هنوز درمان قطعی برای این بیماری یافت نشده است، می‌تواند اثرات به‌شدت مخرب‌تری داشته و ترس عمیق‌تری را در افراد ایجاد کند (منانی و دهشیری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵-۱۳۰).

از دیگر سو بی‌تردید بسیاری از رفتارهای اجتماعی که افراد در زندگی خود از آن تبعیت می‌کنند، به‌خاطر ترس‌هایی است که برای آنها محدودیت‌ها و قوانین را ایجاد می‌کند. پس ترس می‌تواند یکی از زمینه‌های مهم برای شکل‌گیری میراث اجتماعی باشد.

از این نظر که ترس منجر به ظهور ارزش‌های نوین فکری و اخلاقی در مورد افراد می‌شود. ترس سبب شکل‌گیری رفتارهای خاص توسط افراد در طول بازه زمانی می‌شود. ترس موجب نادیده‌انگاری برخی از ارزش‌های ابتدایی در انسان شده و به صورت عاملی برای فراموشی پیوندهای خانوادگی و اجتماعی ظهور می‌یابد. همچنین ترس موجب ایجاد اختلال در خواب، خورد و خوراک، تغییر نوع پوشش در افراد، تغییر نوع نگرش در مورد خرج‌کردها و سبک زندگی می‌گردد (هادی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۲).

علوم‌شناختی تأکید دارد که زمینه‌های روان‌شناختی می‌تواند تا حد زیادی در تغییر هویت زبان‌شناختی مفاهیم در انسان تأثیرگذار باشد، ترس یکی از فاکتورهایی است که محققین باور دارند می‌تواند رویه زندگی افراد را برای سال‌های متمادی تغییر دهد، الگوهای فقهی و حقوقی و الزامات وارد بر آن نیز با ترس بیگانه نبوده و همواره از آن تأثیر پذیرفته‌اند. لزوم شکل دادن ارتش واحد برای مقابله با

مخاطرات نظامی، لزوم استفاده از تمام ظرفیت‌های داخلی و خارجی برای مقابله با بلایای طبیعی که در دوره‌های مختلف اسلامی توسط حکومت‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است دلالت بر تأثیر ترس بر روی تغییر الزامات فقهی-حقوقی دارد؛ و امروزه با توجه به شیوع گسترده بیماری کرونا، مشخصاً ترس از انتقال و تأثیرگذاری این بیماری مهلک همانند آنچه در گذشته مرسوم بوده است می‌تواند سبب شکل‌گیری میراث فرهنگی مختص به خود باشد که در ادامه بدان اشاره خواهیم نمود.

کرونا و میراث‌سازی فرهنگی

شاید اولین مسئله‌ای که بیشتر از هر چیز زندگی دیگران و میراث‌های اجتماعی آنها را دستخوش تغییر قرار می‌دهد مقوله ترس از ابتلا به بیماری کرونا باشد، بیماری که می‌تواند موجبات مرگ یک فرد را به سبب حمله به دستگاه تنفسی ایجاد نماید، پس افراد برای آنکه بتوانند حصار امنی برای خود در برابر این ترس ایجاد کنند ضوابطی را برای پیشگیری از ابتلا یا انتقال به بیماری وضع کردند. (ابراهیم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۸۸۱)

البته صرفاً وضع قواعد و دستورالعمل‌ها نتوانست سبب ایجاد آرامش روانی در مردم باشد. پس الزامات قانونی نیز به این مسئله اضافه شد، اما ابعاد بیماری کرونا به اندازه‌ای بر زندگی‌ها تأثیرگذار است که لاجرم نهادهای حکومتی به این باور دست یافتند که می‌بایست حتی از ظرفیت‌های دینی نیز برای کنترل بیماری کرونا استفاده نمود.

هریک از مصادیق یادشده به سهم خود تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری میراث اجتماعی نیز ایفا می‌نمایند که در ادامه به نحوه تأثیرگذاری آنها اشاره‌گذاری خواهیم نمود.

دستورالعمل‌های بهداشتی زمینه‌ساز میراث اجتماعی

توجه به دستورالعمل‌های صادرشده از وزارت بهداشت جهانی، بسیار ارزنده و قابل تأمل است. بعد از شیوع بیماری کرونا، به تمامی کشورها و خانواده‌ها توصیه شد تا در صورتی که با فضای بیرون از منزل در ارتباط هستند احتیاطات لازم را نموده، حتماً از وسایل بهداشت فردی نظیر ماسک و دست‌کش استفاده نمایند. در منزل خریدهایی که دریافت کرده‌اند ضدعفونی کرده، و حتی المقدور برای خروج از منزل با خود لوازم ضدعفونی‌کننده، همراه داشته باشند (توگلی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۴۵ و ۴۴۶).

ثمره دستورالعمل‌های یکسان رفتاری آن‌هم در عرصه بین‌الملل برای رعایت بایدهای بهداشتی نشان از یک فرهنگ جهانی خواهد داشت. مخصوصاً با توجه به اینکه طول دوره این بیماری به

صورت تقریبی سه سال تخمین زده شده است، تردید نیست که این رفتارها درون افراد نهادینه می‌شود، به اندازه‌ای که بعد از عبور از بیماری کرونا نیز، رفتارهای مشابه تا سال‌ها امتداد خواهد یافت (سالاری نهند و همکاران، ۱۳۹۴).

پس پیش‌گیری سلامت‌مدار بر این نکته تأکید دارد که باید حفاظت شخصی را برای در امان ماندن از بیماری محور اصلی قرار دهیم (یونیسف،^۱ ۲۰۲۰)؛ و البته در کلام الله مجید نیز در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نساء سفارش شده است؛ لذا به نظر می‌رسد احتیاط در نبرد با بیماری‌ها و ویروس‌ها نیز ایجاب می‌نماید افراد همیشه آماده بوده و دستورالعمل‌های بهداشتی را به جدیت مورد توجه قرار داده و از آن به جهت طولانی شدن دوره‌های خود مراقبتی، غفلت نورزند؛ زیرا آسیب درست زمانی رخ می‌دهد که افراد دیگر آمادگی لازم برای مقابله را در خود احساس نمایند (مولا و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱-۱۵).

از نظر فقهی «اصل احتیاط» مجرای احکام مرتبط با «شک» است، پس اگر کسی در امری از امور شرعی شک نماید می‌بایست بنا بر احتیاط حسب مورد یا همه موارد را با هم انجام دهد یا آن‌که هیچ‌یک از آن امور را مرتکب نشود، در مورد بیماری کرونا نیز، اگر شک کنیم که فرضاً رعایت موارد پیش‌گیرانه در رابطه با حضور اقوام و نزدیکان و بستگان درجه یک نیز لازم است یا خیر؟ از باب اینکه لازمه عمل به شک رعایت اصل احتیاط است و با توجه به توصیه‌های ممنوعه‌ای که در این زمینه از بیان فقها وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که ممانعت از ورود افراد یا استفاده از مواد ضد عفونی‌کننده بعد از تماس بدنی با آنها، جهت پیش‌گیری از ابتلا به بیماری، شامل اعضا، وابستگان و اقوام درجه یک نیز می‌شود.

بنابراین اگر همسر یا فرزندان با دیگران در بیرون از منزل زیاد مراودات اجتماعی دارند و بدون ضابطه در تماس هستند، می‌بایست آنها را مکلف به رعایت موارد بهداشتی نمود یا اگر فرزندان قصد دیدار والدین پیر و سالخورده خود را دارند می‌بایست بعد از پایان دوره کرونا یا از طریق مجازی با آنها مراوده اجتماعی داشته باشند تا بیشترین حد «اصل احتیاط» را رعایت نموده باشند.

پیشگیری خودمختار و میراث فرهنگی

اولین سطح از برنامه‌های پیشگیری که در مورد بیماری کرونا مد نظر مجامع بین المللی قرار گرفت، تکیه بر پیش‌گیری خودمختار بوده است.

مهم‌ترین شاخصه این سطح از پیشگیری، لزوم حبس خانگی خودمختار است. در کنار این

شیوه، استفاده از رویکردهای خودمراقبتی مانند، استفاده از ماسک و دستکش برای جلوگیری از ابتلا به بیماری، عدم حضور در اجتماعات مختلف، مانند مراسم مذهبی و سنتی، عدم اشتغال به حرفه‌های خاص برای مدت زمان مشخص، و... نیز مورد توجه مردم قرار گرفته است (توگلی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۴۵ و ۴۴۶).

بدیهی است که تکیه و تمرکز اجتماعی بر هریک از این مقولات در بردارنده میراث اجتماعی مختص به خود می‌باشد.

هرچند در حالت کلی اگر به مقوله بیماری کرونا نظر کنیم درمی‌یابیم که درمقابله با این بیماری، مهم‌ترین اصل، رعایت بهداشت است و اسلام سرتاسر به بهداشت التزام می‌نماید؛ تا حدی که گفته می‌شود «التَّطَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۱۹)، و اگر ما بایسته‌های نظافت فردی که شامل پوشیدن دست‌کش و استفاده از ماسک در اماکن عمومی و پرتردد می‌باشد را رعایت نماییم، قطعاً می‌توانیم سهم بسزایی در کاهش انتقال زنجیره بیماری ایفا نماییم.

حبس خانگی خودمختار

اولین دستورالعمل‌های صادرشده از طرف سازمان جهانی بهداشت به عموم مردم و ملت‌ها، رعایت اصل حضور در خانه و عدم حضور در اجتماع بود (توگلی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۴۵ و ۴۴۶). زندان خانگی یا حصر خانگی پدیده‌ای است که طرفداران و مخالفان خاص خود را دارد، موافقان این نظریه معتقدند، با اجتناب از حضور در اجتماع می‌توانیم برای خود مصونیت خاصی را ایجاد کنیم؛ و مخالفان بر این باورند که به واسطه ترس نمی‌توان به نیازهای اساسی خود آسیب رسانید.

فشارهای اقتصادی، لزوم تأمین معاش برای افراد، نیاز به کار کردن، نیاز به داشتن مراودات اجتماعی و... دلایلی هستند که باعث می‌شود عده‌ای از افراد با حبس خانگی مخالف باشند (خدابخشی کولایی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۰-۱۳۸). ولی تردید نیست که این یک پدیده ناشی از ترس است.

تغییر سبک زندگی در نهاد خانواده

هنگامی که مردم بپذیرند با یکدیگر مراوده نداشته و حبس خانگی را برگزینند، بلاشک می‌بایست سبک جدیدی از زندگی را دنبال کنند که این سبک زندگی دلالت بر میراث فرهنگی دارد

(خواجه سروی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴۱-۴۴) افزایش مدّت زمان حضور اعضای خانواده در کنار یکدیگر، دخالت بیشتر والدین بر تربیت فرزندان (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱-۱۰)، توجّه بیشتر و مداخله اعضای خانواده در انجام امور منزل (آقاجانی، ۱۳۸۱)، تغییر سبک خوراک به جهت مدیریت منابع اقتصادی (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵-۱۳۵)، افزایش ساعات حضور در دنیای مجازی و یا روی آوردن به اشتغالات مختلف و بازی‌های جدید و عمومی در بین اعضای خانواده (خوش‌نیت، ۱۳۹۲، ص ۵۱-۵۶؛ حقی اورتاکنند، ۱۳۹۵، ص ۱-۲۱)، هریک از جمله رفتارهایی است که به نوبه خود می‌تواند بخش مهمی از میراث اجتماعی به‌شمار آید.

اگر تنها یک خانواده از یک جامعه، به این سبک زندگی بپردازد، در این صورت می‌بایست از میراث خانوادگی یاد کرد. ولی اگر یک جامعه در ابعاد یک شهر یا یک کشور مبادرت به این سبک زندگی نمایند می‌توان از یک میراث ملی یا میراث جهانی یاد کرد که در نهایت در حافظه تاریخ باقی می‌ماند.

افزایش مدّت زمان حضور در منزل و میراث فرهنگی

الزامات دنیای مدرن به نحوی برنامه‌ریزی شده است که برای والدین کمتر مقدور است بتوانند مدّت زمان زیادی را در منزل صرف نمایند (آصفی و قنبرپور نصرتی، ۱۳۹۷، ص ۵۵-۶۵).

بدیهی است الزامات دنیای مدرن می‌تواند تأثیرات بالقوه و بالفعلی را برای فرزندان ایجاد نماید، ارزش‌های درونی ایشان را تغییر داده و باعث شود که فرهنگ خاصی مدّ نظر و توجّه فرزندان قرار گیرد. فرزندی که بیشتر ساعات عمر خود را در مهدکودک گذرانده است، از هم‌سن و سال‌های خویش ارزش‌های اختصاصی را دریافت می‌کند. نظام مشابه‌سازی امری است که در مهد به او آموزش داده می‌شود (محمّدی و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۶، ص ۷۵-۱۰۲).

تغییر سبک خوراک، الزام والدین برای تلاش تا رسیدن به استانداردهای معرّفی شده از سوی مدیران مهدها، یا مدارس، گاه سبب ایجاد فشار اقتصادی برای خانواده‌ها می‌باشد؛ در نتیجه کودکی که از خردسالی یاد می‌گیرد ارزش‌های درون خانوادگی را فراموش کرده و ارزش‌های اجتماعی را به ارزش‌های خانوادگی ترجیح دهد (گودرزی، ۱۳۸۹، ص ۴۲۱-۴۴۴؛ خوش‌صفا و کفاشی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۳-۲۰۰)، دیر یا زود به‌سادگی میراث خانوادگی خویش را فراموش خواهد نمود (جانعلی‌زاده چوب‌بستی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۷-۷۰).

او در نهایت می‌پذیرد که حقیقت هویت همانی است که در اجتماع وجود دارد (افراسیابی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳-۱۵۲).

شاید بتوان گفت از مزایای بیماری کرونا آن است که باعث می‌شود تا نظام یکپارچه‌سازی که در نهادهای آموزشی و سایر ارگان‌ها و سازمان‌ها، بیش از هر چیز مدّ نظر قرار گرفته است از هم‌گسیخته و مردم به سمت حقیقت‌های فرهنگی خویش رهنمود گردند، استفاده از ظرفیت‌های زمانی درون منزل باعث بروز خلاقیت‌های فردی در انجام کارها شده، و این‌چنین ارزش‌های درونی خانواده بازآفرینی می‌شود. فرزندی که کار جمعی و مسئولیت‌پذیری را در مهد یا در مدارس به فراموشی سپرده است و درون خانواده نیز دارای الگوی رفتاری یکسان بوده است، امروز به واسطه طولانی شدن ایام بیماری کرونا و به دلیل افزایش شدت حضور او در منزل، ناگزیر فعالیت‌های اجتماعی‌اش بیشتر شده و با اعضای خانواده در امور مختلف همکاری می‌نماید و تردید نیست که افزایش تعاملات درون خانوادگی تأثیر شگرفی بر ایجاد ثبات شخصیت‌های اجتماعی دارد.

حتّی بازی‌هایی که افراد درون خانواده و در اوقات فراغت خود انجام می‌دهند، بازگشت به بازی‌های فراموش شده و در حال فراموشی که قبلاً جزئی از سرگرمی‌های گذشتگان بوده و به‌عنوان میراث اجتماعی مدّ نظر و توجّه بوده است، خود نمود دیگری از آثار خانه‌نشینی به‌واسطه بیماری کرونا است که تأثیر مستقیم بر هویت اجتماعی دارد.

کاهش مرادوات اجتماعی، صله رحم

هرچند ارتباطات با سایرین از نشانه‌های شخصیت اجتماعی و جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی به‌شمار می‌رود، ولی این امر همواره می‌تواند موجبات بروز مشکلات ثانویه گردد. اگر فردی که به بیماری کرونا مبتلا است بخواهد صرفاً براساس لزوم رعایت مرادوات اجتماعی عمل صله رحم، که جزء تأکیدات دینی و فقهی بوده و دارای آثار مثبت از نظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فرهنگی است (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۱-۱۱۴؛ هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹-۱۵۰) عمل کند، ممکن است این امر باعث به مخاطره انداختن دیگران در برابر یک بیماری ناشناخته باشد. پس جواز احتیاط در آن است که دیگران را در معرض خطر قرار نداده و از صله رحم صرف نظر نماییم.

از میان الزامات فقهی و حقوقی، قواعد باب دیات و لزوم احتیاط در دماء که بر عدم کشتار بدون ضابطه دلالت دارد، مؤید همین مطلب است، ولی زمانی این الزامات میراث‌ساز خواهند بود که رعایت آنها به صورت ملکه عملی برای انسان باشد، مادامی که افراد صرفاً به‌خاطر یک حکم شرعی، عملی را به صورت موقّتی ترک نمایند یا بدان مبادرت ورزند، نمی‌توان از اجتماعی شدن یک رفتار سخنی به‌میان آورد.

اما اگر افراد پس از عبور از دوره تهدید، همچنان براساس همان اصول کلی، مبادرت به رعایت الزامات فقهی و حقوقی نمایند، در این صورت قطعاً مضامین فقهی زمینه‌ساز میراث اجتماعی شده‌اند. در این باره نیز، الزامات فقهی باب «احتیاط» و قاعده «دفع ضرر» (علی اکبریان و نادری، ۱۳۹۲، ص ۷۱-۹۵) که قواعدی عقلی محسوب می‌شوند، دلالت بر لزوم رعایت و عدم مراودات اجتماعی جز در موارد ضروری و اجباری دارد، در نتیجه چون این قواعد به صورت همیشگی و دائمی است، می‌توان از تاثیرگذاری آن بر میراث فرهنگی اطمینان حاصل نمود.

بر این مبنا چه در عصر ظهور بیماری کرونا و چه در زمان‌های بعد از این بیماری، هر زمان که افراد احساس کنند در شرایط مشابه قرار گرفته‌اند و ممکن است در اثر یک بیماری واگیردار و مرگبار جان خود و سایرین را به مخاطره بیندازند، چون این دو اصل عقلی، میراث اجتماعی نهادینه شده‌ای را در افراد ایجاد می‌کند، در نتیجه آنها در آینده تکلیف حقوقی و شرعی خود را نسبت به سایرین می‌دانند و بدون آن که نیاز به یادآوری باشد مردم مطابق با فرهنگی که قبلاً آموخته‌اند رفتار خواهند نمود.

پیشگیری قانونی و فقهی

در راستای پیشگیری از بیماری کرونا، پیشگیری قانونی و فقهی برای الزام به رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی قابل تصوّر می‌باشد. ماسوای این حقیقت که برخی از افراد برای کسب روزی و به جهت معاش ناگزیر از حضور در بیرون از منزل می‌باشند، همان طوری که معصوم علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ» (شاکرین، ۱۳۹۲، ص ۳۰-۳۴)، این افراد می‌بایست دقت نمایند آن دسته از اقدامات حیاتی را انجام دهند تا به هر طریق ممکن از انتقال بیماری به سایرین مخصوصاً در مورد اعضای خانواده جلوگیری نمایند؛ و البته گاه حکومت‌ها بنا به مصلحت‌ها نیز حسب مورد تصمیم به تصویب و تأیید قوانین موقتی می‌نمایند (میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵-۱۷۱).

قوانینی که در اصطلاح فقهی از آن به‌عنوان احکام ثانوی یاد می‌شود (ادیبی مهر، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵-۱۸۸) و در اصطلاح حقوقی، قوانین موقتی خوانده می‌شوند. از این نظر اگر حسب مورد حکومت‌های اسلامی خروج از منزل را ولو برای کسب روزی، بدون داشتن ضرورت‌های جدی که عدم تأمین معاش به جان خانواده آسیب می‌رساند، ضروری تشخیص دهند، در این صورت بیرون رفتن برای کسب روزی حسب مورد می‌تواند مشمول حکم حرمت شده یا با برخورد‌های قانونی همراه داشته باشد؛ از تعطیلی واحدهای صنفی، تا جریمه‌های سنگین، یا دست‌گیری و حبس از

جمله اقداماتی است که به سبب پیشگیری از انتقال بیماری انجام می‌شود،^۱ زیرا براساس قاعده لاضرر، کسی حق آسیب رساندن به دیگران را ندارد (مزینانی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۳-۲۶۴) و اگر افراد به صورت خودمختار به این امر متمایل نباشند، شرعاً این اختیار برای حکومت‌ها وجود دارد تا بنا بر صلاح دید خود قواعد لازم را اجرایی نمایند.

تردید نیست که سبک خانه‌نشینی، عدم حضور در فعالیت‌های شغلی، وضع قوانین و صدور فتاوی فقہی، هریک به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی تلقی می‌شود؛ اگر امروز قانونی تدوین می‌شود و رعایت آن برای اعضای یک جامعه هدف، ضروری تشخیص داده می‌شود (فدایی‌نژاد و حناچی، ۱۳۹۳، ص ۲۱-۳۷)، از دو جهت میراث فرهنگی است، نخست آن‌که قانون به ذات خود نیازمند نگارش، ثبت و تأیید و در نهایت اجرا خواهد بود، پس سیکل فرایند قانون‌گذاری تا اجرای قانونی و بررسی آثار اجرای قانون، خود دلالت بر ثبت یک اثر در تاریخ دارد. زیرا تاریخ شاهد خواهد بود که در دوره زمانی مشخصی، چنین قانونی برای پیشگیری از گسترش بیماری کرونا تصویب و اجرا شد.

و اما جهت دومی که باعث میراث فرهنگی تلقی شدن یک قانون پیشگیرانه دارد، آن است که مشخص می‌شود برخی از ارزش‌های اجتماعی به شدت تغییر یافته است. مردم حفظ جان خود را مهم‌تر از شغل خود می‌دانند، و راضی به تحمّل برخی فشارهای اقتصادی و مالی می‌شوند، تا از این طریق از داشته‌های حقیقی خود که همانا جان خود و اعضای خانواده خویش می‌باشد حمایت کنند، و هر جا که ارزش‌های افراد تغییر کند، میراث‌های فرهنگی آنها نیز دست‌خوش تغییر می‌شود.

آثار اجرای قانون بر شکل‌گیری میراث فرهنگی

تردید نیست که اجرای قانون بدون داشتن پشتوانه‌های لازم امری غیرواقعی و نشدنی محسوب می‌شود، پذیرش التزام حدّاکثری برای اجرای قانون بدون وجود ضمانت اجرای مشخص، امری است که تجربه تاریخ بشری، نمی‌تواند آن را قبول نماید. از همین رو است که برای اجرای قانون، پشتوانه‌های کیفری و یا سایر ضمانت‌های اجرایی قانونی در نظر گرفته می‌شود (درویشی و زینالی‌اقدام، ۱۳۹۳، ص ۱-۲۳؛ عبدالصمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۹۱-۲۱۶).

علاوه بر سبک اجرای قانون، که خود دلالت انکارنشدنی بر میراث اجتماعی بودن قانون دارد، زیرا فرضاً اگر در راستای اجرای یک قانون مربوط به منع آمد و شد در زمان شیوع بیماری کرونا،

۱. بازدید در تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۹۹ <https://bit.ly/3gl8xa>

فردی زندانی، حبس یا جریمه نقدی شود، این امر می‌تواند آینده آن شخص را دست‌خوش تغییرات جدی کند.

لذا تفاوت چندانی ندارد حاصل این اقدامات تبدیل شخصیت فرد به یک شخصیت ضد اجتماعی باشد (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹-۱۷۵)، یا آن‌که فرضاً فقط او را برای چند سال از زندگی در میان مردم محروم نماید (نظیر احکام حبس طولانی مدّت که در برخی از کشورها به مورد اجرا گذارده می‌شود)، یا سبب شود بخشی از دارایی خویش را در راه پرداخت جریمه نقدی پرداخت کند.

مطلب اصلی آن است که اجرای قانون نیازمند اجرای سازکارهای متعددی در جامعه است. اجرای قانون نیازمند ابزار کیفری لازم، تأمین بودجه لازم (رستمی و برزگر خسروی، ۱۳۹۳، ص ۷۹-۱۰۰)، تأمین نیروها و ضابطین خاص برای برقراری قانون، تعیین جایگاه‌های مشخص برای حبس و برخورد قاطع کیفری، نیازمند ایجاد سیکل اداری مشخص برای رسیدگی قضایی به دعاوی مربوط در این زمینه و... می‌باشد.

افزوده شدن تعداد نیروهای نظامی و انتظامی، نحوه برخورد مجریان قانون با قانون‌شکنانی که در زمان شیوع بیماری کرونا قوانین مربوطه را نقض می‌نمایند، لزوم تأمین بهداشت محیط‌های بازپروری نظیر بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها، همه و همه خود نمود بارزی از تغییر بایسته‌های اجتماعی است که سابق بر آن لزومی بر وجودش در جامعه احساس نمی‌شده است. از همین‌رو این امور می‌تواند دلالت بر شکل‌گیری صورت‌های خاصی از میراث اجتماعی در جامعه باشد.

و البته این‌بار فرع بر این حقیقت می‌باشد که اطرافیان و آسیب‌دیدگان از اجرای قانون‌ها و ممنوعیت‌های موقتی در نظر گرفته‌شده در زمان شیوع بیماری کرونا، نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند و اقدامات متقابلی را حسب مورد انجام می‌دهند. که هر اقدام و فعلی که در راستای تقابلی بودن، نسبت به اجرای یک قانون خاص، انجام شود، دلالت بر تغییر ارزش‌های درونی جامعه و شکل‌گیری شکل جدیدی از میراث فرهنگی می‌شود.

به‌عنوان مثال بسته بودن طولانی مدت مغازه‌ها و کارگاه‌های خدماتی، در نهایت موجب ضعف شدید اقتصادی در بین مردم (لوییس و ثریا، ۱۳۵۳، ص ۱۲۴-۱۴۰)، و ارتکاب سرقت‌های مواد خوراکی آن‌هم در سطح وسیع در جامعه گردید که از بازخوردهای ابتدایی اجرای قوانین در زمان شیوع بیماری کرونا می‌باشد.

درگیری مردم با نیروهای امنیتی، نقض آشکار قانون و بازگشایی مراکز خرید و فروش، همه و همه دلالت بر آن دارد که عدّه‌ای از افراد ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی خود را تغییر داده و میراث

اجتماعی دیگری را برای خود در نظر می‌گیرند. کسانی که تا قبل از شیوع بیماری کرونا، افرادی تابع قانون بودند، برحسب شرایط ممکن است شخصیت ضداجتماعی و ضدقانونی پیدا نمایند (نوغانی دخت‌بهمنی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۴، ص ۸۵-۱۰۲) که این اثر تقابلی بودن قانون است. آماده نکردن جامعه برای درک ابعاد یک مشکل عمومی، همواره مسائلی متعددی را به همراه دارد که به‌نوبه خود از دیدگاه حقوقی و جرم‌شناسی می‌تواند در بردارنده عوامل اساسی برای شکل‌گیری جرائم در محیط اجتماعی باشد.

آثار فقهی فتاوی موقتی در زمان شیوع بیماری کرونا

از نظر فقهی نیز، صدور یک حکم فقهی که بر حرمت یا لزوم رعایت بیشتر بهداشت، بسته شدن اماکن مذهبی، عدم اجرای مراسم مذهبی و... صادر می‌شود، دلالت بر آن دارد که مرجع برحسب شرایط شیوع بیماری کرونا و براساس قوانین ثانوی و منطبق بر مصلحت تصمیمات مختلفی را اتخاذ می‌نماید. کسی که این تصمیمات را می‌گیرد، قطعاً می‌تواند تحوّل عظیمی در برخی از بایسته‌های دینی و عبادی افراد ایجاد نماید؛ و این البته بر دوش فقها نهاده شده است تا حسب شرایط بتوانند به‌درستی تصمیماتی بگیرند که بیشتر به نفع جامعه است، زیرا آنها کسانی بودند که داوطلب شده‌اند تا برای یافتن حکم فقهی تلاش بسیار نمایند، «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، ۱۲۲)، پس به‌واسطه این انتخاب آنها است که او می‌فرماید: «(نساء، ۵۹)، در نتیجه اگر عالم برجسته‌ای حسب اقتضای زمانه تصمیمی را لحاظ می‌کند، اطاعت از آن لازم و بلکه واجب است (نیکزاد، ۱۳۸۵؛ نظرزاده، ۱۳۹۲، ص ۵۸-۷۸)، اگر امری را دارای حرمت اعلام می‌کند کلامش صادق است و لازم است رعایت شود.

و از آنجا که باور داریم امور دینی نقش بسزایی در شکل‌گیری میراث اجتماعی دارد، تردید نیست که فتاوی موقتی نیز دارای خصیصه میراث‌ساز هستند. اینکه فرضاً برای یک یا چند ماه شرکت در نمازهای جماعت ممنوع اعلام شود، مشخصاً این سبک رفتاری جدیدی است که در امور عبادی حسب شرایط لحاظ می‌شود، پس جزئی از تاریخ زندگی آدمی قرار گرفته و به‌عنوان بخشی از میراث اجتماعی محسوب می‌شود. همین میزان که شخصی بتواند حتی بعد از گذر سال‌های زیادی از عمر خود نتیجه یک بیماری را بر حکم فقهی در برخی از امور عبادی درک کند و تشخیص بدهد، این دلالت بر میراث واقع شدن فتاوی موقتی بوده و تردید در آن روا نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این نوشتار مدنظر و توجه قرار گرفت، نویسندگان به این باور رسیدند که در راستای مقابله با بیماری کرونا، مجموعه اقداماتی که انجام شده یا می‌شود، بلاشک می‌تواند زمینه‌ساز بخش مهمی از میراث اجتماعی در ابعاد خانوادگی، ملی و جهانی باشد.

آن زمان که سازمان‌های جهانی با مشارکت یکدیگر دستورالعمل‌های یکسانی را برای کاهش گسترش بیماری تدوین نموده و آن را به سایر ملت‌ها عرضه نمودند، زمینه‌ی شکل‌گیری میراثی در ابعاد جهانی ایجاد گردید. رعایت بیش از حد نظافت، به نحوی که در تاریخ بشریت در هیچ برهه‌ای تا این میزان نمود حقیقی و بیرونی از خود برجای نگذاشته است، دلیل واضح و روشنی است که میراثی در ابعاد جهانی در حال شکل‌گیری است؛ و هر میزان که طول دوره همه‌گیری این بیماری در جوامع مختلف بیشتر باشد، میراث‌های شکل‌گرفته بین مردم، بیشتر نهادینه شده و آثار متعددی را با خود به همراه خواهد داشت.

اما آنچه که از نظر فقهی و قانونی به‌عنوان زمینه‌ساز میراث اجتماعی در عصر بروز و ظهور بیماری کرونا است، می‌توان به مصادیقی اشاره نمود که به‌واسطه آن، کنترل‌های اجباری و الزامی از نظر شرعی یا قانونی برای افراد قرار داد، تا به نحوی مانع از شیوع بیشتر بیماری در جامعه شود. مسئولین، قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران اجرایی قوانین ناگزیر هستند برای پاسداشت حریم خانواده‌ها، صیانت جان مردم، و رهایی از آثار مخرب بیماری کرونا، در پاره‌ای موارد چه در تصویب و چه در پیگیری مقررات قانونی، الزامات بیش از حدی را اعمال نمایند، که هر اقدامی که از طرف مسئولین در این برهه انجام شود، همین میزان که قابلیت ثبت شدن در حافظه تاریخی بشر به‌واسطه ابزارهای الکترونیکی را دارد، یعنی جزئی از میراث تاریخی و اجتماعی قرار خواهد گرفت.

و از نظر فقهی نیز، آن دسته از فتاوی که صرفاً برای کنترل بیماری و در راستای حفظ سلامت مردم، از باب قواعد ثانوی صادر شده است، بلاشک آثار و دنباله‌های تأثیرگذاری را در افکار و عقاید و ارزش‌های مردم ایفا نموده و می‌نماید. و از آنجایی که میراث‌های اجتماعی به واقع پاسخ انسان به ارزش‌های درونی شده او می‌باشد، بی‌تردید آن دسته از رفتارهایی که در مقام رعایت الزامات خودمختار یا قانون‌مدار و یا شریعت‌مدارانه انجام داده است، می‌تواند به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی او قرار گیرد. البته می‌توان گفت همان‌طور که قواعد روان‌شناختی نیز بر آن دلالت دارد که در حقیقت آنچه باعث شکل‌گیری میراث اجتماعی به‌واسطه بیماری کرونا می‌شود، تغییر مفاهیم بیماری، و لزوم تبعیت از قواعد شرعی برای رسیدن به سعادت بشری است. مادامی که

مفاهیم به‌واسطه بیماری‌ها یا ترس از بیماری و واکنش‌های منطقی و احساسی در مورد آن دست‌خوش تغییرات باشند، هر زمان ممکن است جنبه جدیدی از میراث فرهنگی ظهور و بروز پیدا نماید. ولی به‌طورکلی بیماری کرونا از دو جهت می‌تواند زمینه‌ساز میراث اجتماعی باشد، اول آن‌که باعث می‌شود تا قواعد فقهی کارکردهای به‌روز خود را نشان داده و بازتاب رویدادهای تاریخی در قالب شباهت‌سازی وضعیت جامعه گذشته صدر اسلام با جامعه کنونی گردد تا در نهایت حکم فقهی صادر شود؛ و دوم آن‌که قواعدی که در این برهه زمانی مورد توجه عامه مردم قرار می‌گیرد، در آینده می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای نهادینه‌شده در مردم باشد که در هر صورت جزئی از میراث فرهنگی محسوب خواهد شد.

منابع

* قرآن مجید

۱. آصفی، احمدعلی و امیر قنبرپور نصرتی (۱۳۹۷)، «نقش خانواده در نهادینه کردن فعالیت بدنی در کودکان»، پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۵۵-۶۵.
۲. آقاجانی نصرالله (۱۳۸۱)، «مشارکت‌پذیری اعضای خانواده»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۶.
۳. ابراهیم‌آبادی، فرشته؛ امیرحمزه سالارزایی و پژمان برزعلی (۱۳۹۶)، «کاربرد اصول و قواعد فقهی در پیشگیری از اختلال اضطرابی وسواس فکری-عملی»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۳، ش ۴، ص ۸۶۳-۸۸۷.
۴. ابراهیمی، فرزانه؛ مریم قاسمی، ناهید کیوان‌منش و زهرا فتوت (۱۳۹۷)، «سیری بر نحوه شکل‌گیری هویت و تربیت جنسی در کودکان پیش دبستانی»، همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی، دوره ۱، ص ۱-۱۰.
۵. اسلامی‌تنها، اصغر و نعمت‌الله کرم‌اللهی (۱۳۹۷)، «روش تحقیقی اقدام‌پژوهشی در علوم اجتماعی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، س ۶، شماره دوم پیاپی ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۲۷-۴۰.
۶. ادیبی‌مهر، محمد (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل احکام ثانوی فقهی در قلمرو احکام ثابت و متغیر»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۷، ش ۱، ص ۱۵۵-۱۸۸.
۷. افراسیابی، حسین، محسن سعیدی مدنی، کاوه شکوهی‌فر (۱۳۹۵)، «زمینه‌های اجتماعی حسادت در تعاملات روزمره؛ مطالعه کیفی دانشجویان دانشگاه یزد»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۷، ش ۴ (پیاپی ۶۴)، ص ۱۳۳-۱۵۲.
۸. توکلی، احمد؛ کتایون وحدت و محسن کشاورز (۱۳۹۸)، «کرونا ویروس جدید ۲۰۱۹ (COVID-19) بیماری عفونی نوظهور در قرن ۲۱»، دو ماهنامه طب جنوب، س ۲۲، ش ۶، ص ۴۳۲-۴۵۰.
۹. جانعلی‌زاده چوب‌دستی، حیدر؛ اکبر علیوردی‌نیا و محمدمهدی فرزید (۱۳۹۶)، «جامعه‌شناسی حافظه جمعی: حوزه مطالعاتی پارادایمیک یا تاپارادایمیک؟»، راهبرد فرهنگ، ش ۴۰، ص ۳۷-۷۰.
۱۰. حسین‌زاده، علی (۱۳۸۹). «نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی»، معرفت اخلاقی، س ۱، ش ۴، ص ۱۱۵-۱۳۵.

۱۱. حق دوست، علی اکبر (۱۳۸۹)، «تفاوت مدل مدیریت بیماری واگیر و غیرواگیر، از تئوری تا عمل»، دانش و تندرستی، دوره ۵، شماره ویژه ششمین کنگره اپیدمیولوژی ایران، کرمان، ص ۱۹۲.
۱۲. حقی اورتاکنند، ملکه (۱۳۹۵)، «اعتیاد اینترنتی دلایل و انگیزه‌ها»، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، گرجستان، ص ۱-۲۱.
۱۳. خدابخشی کولایی، آناهیتا (۱۳۹۹)، «زندگی در قرنطینه خانگی: واکاوی تجارب روان‌شناختی دانشجویان در همه‌گیری کووید ۱۹»، مجله طب نظامی، دوره ۲۲، ش ۲، ص ۳۰-۳۸.
۱۴. خواجه سروی، غلامرضا و اقبال، اقدس و طباطبائی، جواد (۱۳۹۲)، «مختصات سبک زندگی مطلوب در نظام مردم سالاری اسلامی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره: ۴، شماره: ۱۳، ص ۳۵-۵۵.
۱۵. خوش‌صفا، حسن و مجید کفاشی (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارزش‌های خانواده»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، س ۶، ش ۲۳، ص ۱۷۳-۲۰۰.
۱۶. خوش‌نیت، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی مفهوم و ماهیت گردشگری الکترونیکی و توسعه پایدار»، سپهر، دوره ۲۲، ش ۱، پیاپی ۸۵، ص ۱۰۲-۱۰۹.
۱۷. درویشی، بابک و امیرعلی زینالی اقدم (۱۳۹۳)، «ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران»، تحقیقات حقوقی آزاد، ص ۱-۲۳.
۱۸. رستمی، ولی و محمد بزرگ‌خسروی (۱۳۹۳)، «ماهیت حقوقی بودجه (سند یا قانون)»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، س ۱۵، ش ۲ (پیاپی ۴۰)، ص ۷۹-۱۰۰.
۱۹. سالاری‌نهند، ابراهیم؛ حیدر مغنی و مصطفی کاظمی (۱۳۹۴)، «نقش یادگیری در رفتار مصرف‌کننده با تأکید بر روش شرطی‌سازی کلاسیک: یک مطالعه مروری»، دومین کنفرانس ملی تحقیقات بازاریابی، تهران: مؤسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
۲۰. شاکرین، محمدرضا (۱۳۹۲)، «رابطه دنیا و آخرت از منظر قرآن و حدیث»، ماهنامه اطلاع‌رسانی معارف، ش ۹۸، ص ۳۰-۳۴.
۲۱. شهیاد، شیما و محمدتقی محمدی (۱۳۹۹)، «آثار روان‌شناختی گسترش بیماری کووید ۱۹ بر وضعیت سلامت روان افراد جامعه: مطالعه مروری»، مجله طب نظامی، دوره ۲۲، ش ۲، ص ۱۸۴-۲۱۹.
۲۲. صالحی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «مفهوم بیماری و تأثیر آن در مسئولیت اطباء در ادوار تاریخ»، دوره ۵، ش ۱۵، ص ۷۵-۹۷.

۲۳. عبدالصمدی، راضیه؛ احمد هنردوست و صدیقه جوان (۱۳۹۵)، «ماهیت تعهدات طبیعی و ارتباط آنها با تعهدات اخلاقی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۹۳، ص ۱۹۱-۲۱۶.
۲۴. عزتی، نایله (۱۳۹۱)، «تأثیر آگاهی از رفتارهای خودمراقبتی بر میزان ترس و اضطراب بیماران عروقی قلبی (زن و مرد)»، زن و مطالعات خانواده، دوره ۵، ش ۱۷، ص ۱۰۷-۱۲۹.
۲۵. علی اکبریان، حسنعلی و رسول نادری (۱۳۹۲)، «بررسی عنصر احتیاط در فقه دوره‌های پیش و پس از اندیشه اخباری»، فقه، دوره ۲۰، ش ۷۶، ص ۷۱-۹۵.
۲۶. غباری بناب، باقر؛ علی نقی فقهی و یدالله قاسمی پور (۱۳۸۶)، «آثار صله رحم از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و کاربردهای تربیتی آن»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، س ۳، ش ۵، ص ۸۱-۱۱۴.
۲۷. غلامی، حسین (۱۳۸۱)، «پذیرش فرهنگ زندان»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۴، ش ۷، ص ۱۵۹-۱۷۵.
۲۸. فدایی نژاد، سمیه و پیروز حناچی (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین سیر تحول سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت از میراث فرهنگی، بازه زمانی سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۱»، مطالعات معماری ایران، دوفصلنامه معماری ایرانی، ش ۵، ص ۲۱-۳۷.
۲۹. فرنوش، غلامرضا؛ غلامرضا علی‌شیری، سیدرضا حسینی ذیجود، روح‌الله درستکار، علیرضا جلالی‌فراهانی (۱۳۹۹)، «شناخت کرونا ویروس نوین - ۲۰۱۹ و کووید ۱۹ براساس شواهد موجود- مطالعه مروری»، مجله طب نظامی، دوره ۲۲، ش ۱، ص ۱-۱۱.
۳۰. گودرزی، سعید (۱۳۸۹)، «تغییر ارزش‌های جوانان و عوامل مرتبط بر آن»، رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، ش ۳۹، ص ۴۲۱-۴۴۴.
۳۱. لوییس، اسکار و سیدمهدی ثریا (۱۳۵۳)، «فرهنگ فقر»، نامه علوم اجتماعی، ش ۴، ص ۱۲۴-۱۴۰.
۳۲. محمدی‌منظر، سید احمدی زاویه سیدسعید (۱۳۹۶)، «لباس متحد الشکل: بازنمایی قدرت مدرنیته (دوران پهلوی اول)»، تاریخ ایران، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۷۵-۱۰۲.
۳۳. مردانی، مسعود؛ مریم کشتار جهرمی و بابک حقیقت (۱۳۸۲-۱۳۸۴)، «مروری بر بیماری سندرم حاد تنفسی (sars)»، فصلنامه دانشکده بهداشت و آن استیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱، ش ۴، ص ۷۳-۸۳.
۳۴. مزینانی، محمدصادق (۱۳۷۸)، «نگاهی به قاعده لاضرر از دیدگاه امام خمینی»، فقه، دوره ۶، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۳۳-۲۶۴.

۳۵. منانی، فاطمه و غلامرضا دهشیری (۱۳۹۶)، «ترس از پیشرفت بیماری در بیماران مبتلا به سرطان و مولتیپل اسکلروزیس و رابطه آن با مشکلات عاطفی»، روان‌شناسی سلامت، دوره ۶، ش ۲۲، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۳۶. مولا، فروغ؛ مهناز سبزی و مژگان پالیزدار (۱۳۹۷)، «دستورالعمل‌های پیشگیری و کنترل عفونت احتیاطات استاندارد»، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، ص ۱-۱۵.
۳۷. میرزایی اقبالعلی (۱۳۹۳)، «قانون و اعتبار زمانی آن با تأکید بر مفهوم و اوصاف قانون موقت»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۸، ش ۸۵، ص ۱۴۵-۱۷۱.
۳۸. میرصالحیان، اکبر و مصیب دالوند (۱۳۹۷)، «تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران»، مجله میکروبی‌شناسی پزشکی ایران، س ۱۲، ش ۴، ص ۲۳۰-۲۳۸.
۳۹. نظرزاده، عبدالله (۱۳۹۲)، «مصلحت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و حکومتی»، سیاست متعالیه، س ۱، ش ۱، ص ۵۸-۷۸.
۴۰. نوری‌محدث، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، س ۱، ج ۱۸، بیروت-لبنان: مؤسسه آل‌البیت (ع).
 ۴۱. نوغانی دخت‌بهمنی، محسن و سیداحمد میرمحمدتبار (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام‌شده در ایران)»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، ش ۳، ص ۸۵-۱۰۲.
۴۲. نیکخواه، سمیه و محمدرضا نقی‌ئی (۱۳۹۸-۱۳۹۹)، «خواص دارویی مکمل بورون در پیشگیری و درمان بیماری‌ها: مقاله مروری منظم»، طب مکمل دانشگاه علوم پزشکی اراک، دوره ۹، ش ۳، ص ۳۷۶۰-۳۷۷۹.
۴۳. نیکزاد، عباس (۱۳۸۵)، «جایگاه مصلحت در بستر قانون‌گذاری حکومت اسلامی»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۳.
۴۴. هادی‌زاده، محبوبه؛ غلامحسین واعظی و میترا باقری (۱۳۹۵)، «مقایسه اثر خوراکی کوتاه‌مدت ریتالین بر رفتارهای هیجانی (ترس و اضطراب) موش صحرایی نر سالم و دیابتی شده با استرپتوزوتوسین»، مجله دانشکده علوم پزشکی نیشابور، س ۴، ش ۲، ص ۲۲-۳۱.
۴۵. هوشیاری، جعفر؛ سیدعلی سیدموسوی و محمد مهدی صفورایی پاریزی (۱۳۹۷)، «تحلیل فقهی و کارکردهای روان‌شناختی صل‌رحم»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، دوره ۶، ش ۳ (پیاپی ۱۲)، ص ۱۲۹-۱۵۰.
۴۶. یونیسف ۲۰۲۰.

47. Appiah, Kwame Anthony, (1994), *Race, Culture, Identity: Misunderstood Connections*, (The Tanner Lectures on Human Values), University of California at San Diego
48. Benhabib, Seyla, (2002), *The Claims of Culture: Equality and Diversity in the Global Era*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
49. <https://bit.ly/3glt8xa>
50. Kersel, Morag M. and Christina Luke, (2015), "Civil Societies? Heritage Diplomacy and Neo-Imperialism", in *Global Heritage: A Reader*, edited by Lynn Meskell, Chichester: John Wiley & Sons, Inc.
51. Logan, William S., (2007), "Closing Pandora's Box: Human Rights Conundrums in Cultural Heritage Protection", in *Cultural Heritage and Human Rights*, edited by Helaine Silverman and D. Fairchild Ruggles, New York: Springer, 33–52.
52. Mezey, Naomi, (2007), "The Paradoxes of Cultural Property", *Columbia Law Review*, 107: 2004–2046.]
53. Narayan, Uma, 1998, "Essence of Culture and a Sense of History: A Feminist Critique of Cultural Essentialism", *Hypatia*, 13(2): 86–106.
54. Okin, Susan Moller, (1997), "Is Multiculturalism Bad for Women", *Boston Review*, October/November 1997.
55. Scheffler, Samuel, (2007), "Immigration and the Significance of Culture", *Philosophy & Public Affairs*, 35(2): 93–125.